

# حضرت عبدالبهاء و "بشارت غنی" اثر اندرو کارنگی

جوناتان منون

ترجمه شده توسط فاروق ایزدی نیا از انگلیسی



## حضرت عبدالبهاء و "بشارت غنی" اثر اندرو کارنگی

اثر جوناتان منون / 19 نوامبر 2013

تنها فرد ثروتمندتر از جی پی مورگان (J. P. Morgan) در سال 1912 مهاجری اسکاتلندی از دانفرملاین (Dunfermline)، کانتی فایف، (County Fife)، بود که در دوازده سالگی در سال 1848 به آلگنی (Allegheny) در پنسیلوانیا مهاجرت کرد. اولین شغلش را در سیزده سالگی در کارخانه پنبه پیتسبورگ یافت که مسئول ماسوره‌ها شد و در ازاء دوازده ساعت کار روزانه، هفته‌ای یک دلار و بیست سنت دریافت می‌داشت که ماسوره‌های نخ را عوض کند. دو سال بعد در دفتر شرکت تلگراف اوهایو در پیتسبورگ نام‌رسان شد و هفته‌ای دو و نیم دلار می‌گرفت. در هفده سالگی راه‌آهن پنسیلوانیا او را به عنوان تلگراف‌چی در ازاء هفته‌ای چهار دلار استخدام کرد. تا هجده سالگی به مقام سرپرستی بخش پیتسبورگ راه‌آهن رسیده بود و در آن سال شروع به سرمایه‌گذاری از محل پس‌اندازش نمود. از محل سود سرمایه مجدداً سرمایه‌گذاری کرد و این روند را ادامه داد تا تدریجاً مبنای سرمایه اندرو کارنگی پدیدار شد.



TRANSLATION

اندرو کارنگی که در جنگ داخلی راه‌آهن نظامی اتحادیه و عملکرد تلگراف در شرق را اداره کرده بود، شرکت راه‌آهن را ترک کرد و توجه خود را به آهن و فولاد معطوف داشت. تا سال 1889 او بزرگترین تولید کننده چدن خام، ریل راه‌آهن، و کُک در جهان بود. دو نوآوری عمده او یکی عرضه کوره بسمر (Bessemer) که چدن خام را، با سوزاندن و خارج کردن کربن درون آن، به سرعت تصفیه می‌کرد و دیگری ایجاد پیوندی عمودی بین تمامی تأمین کنندگان مواد اولیه‌اش بود، سبب شد فولاد کارنگی از تولیدات هر کس دیگری ارزان‌تر تمام شود. در سال 1901 کارنگی در شصت و شش سالگی بازنشسته شد و سهام و منافع خود در فولاد را به مبلغ 492 میلیون دلار به جی پی مورگان فروخت و ثروتمندترین مرد روی زمین شد.

اما، درست همان موقعی که در طی عصر زرین 1، زندگی یک بارون دزد 2 را داشت و به جمع‌آوری ثروت و سرکوبی کارگران اعتصابی مشغول بود، کارنگی دیدگاهی متفاوت با نگاه دوستان بسیار ثروتمندش به ثروت را تدوین می‌کرد. او نوشت، "انسان نباید بت داشته باشد و جمع کردن ثروت یکی از بدترین انواع بت‌پرستی است! هیچ بتی بیش از پرستش پول انسان را حقیر و تباه نمی‌سازد! ... اگر مدتی طولانی تر غرق امور تجاری شوم و بیشتر فکرم را متوجه کسب پول بیشتر در مدتی کمتر نمایم، چنان پست و دنی می‌شوم که دیگر امیدی برای بهبودی دائمی وجود نخواهد داشت."

حضرت عبدالبهاء در بسیاری از جلساتی که کارنگی هزینه مالی آنها را متقبل میشد، از جمله کنفرانس دریاچه موهونک (Lake Mohonk) درباره حکمت بین‌المللی، که دلارهای کارنگی هزینه آن را تقبل کرده بودند، به ایراد خطابه پرداختند. در ماه نوامبر، کارنگی در نیویورک به ملاقات حضرت عبدالبهاء رفت و نسخه‌ای از مقاله خویش با عنوان "بشارت غنی" را به ایشان تقدیم کرد. کارنگی در این مقاله درباره مسئولیت‌هایی که ثروتمندان برای بهبود جامعه دارند بحث کرده بود. او استدلال کرده بود که ثروتمندان نه تنها باید کل ثروت خود را صرف کنند، بلکه باید این کار را با درایت انجام دهند و اطمینان حاصل کنند سازمان‌هایی که از آن استفاده می‌کنند تحت نظارت هستند تا پول مزبور هدر نرود. بعداً، او از اعطاء کمک مالی به یک سازمان صلح که یکی از دوستان توصیه کرده بود امتناع کرد، زیرا احساس می‌کرد وجه مزبور بیش از آن که مفید باشد، لطمه وارد می‌کند. او با حیرت نوشت، "تعجب می‌کنم که متوجه این مطلب نیستید. هیچ چیز بیش از پول یک میلیونر از امری شرافتمندانه سلب قدرت نمی‌کند. حیات آن به این وسیله لگه‌دار می‌شود." او مالیات‌های بالایی را که در انگلستان برای املاک برقرار شده بود تصویب کرد. کارنگی نوشت، "با بستن مالیات گراف به

املاک، دولت زندگی بی ارزش میلیونر خودخواه را محکوم می کند. مطلوب چنان است که ملت‌ها در این جهت بیش از پیش حرکت کنند."

حدّاقلاً از سال 1875، یعنی زمان صدور رسالهٔ مدنیّه، حضرت عبدالبهاء مجموعهٔ مشابهی از دیدگاه‌ها در خصوص مسئولیت‌های ثروتمندان را بیان کردند. حضرت عبدالبهاء نوشتند، "غنا منتهای ممدوحیت را داشته، اگر به سعی و کوشش نفس خود انسان در تجارت و زراعت و صناعت به فضل الهی حاصل گردد و در امور خیریه صرف شود و علی‌الخصوص اگر شخصی عاقل و مدبر تثبّت به وسایلی نماید که جمهور اهالی را به ثروت و غنای کلی رساند، همّتی اعظم از این نه." (رسالهٔ مدنیّه، طبع آلمان، ص 26 / طبع اول، ص 31)

حضرت عبدالبهاء مقالهٔ بشارت غنی را مطالعه کردند و در دهم ژانویه 1913، اندکی بعد از ورود به لندن در مراجعت از آمریکا، مکتوبی به اندرو کارنگی مرقوم داشتند. کارنگی آنچنان تحت تأثیر مکتوب مزبور قرار گرفت که آن را در نیویورک تایمز چاپ کرد. اما در یک مورد خاص حضرت عبدالبهاء عقیده داشتند که استدلال کارنگی باید یک قدم فراتر برود. حضرت عبدالبهاء توضیح دادند که یک وجه مهمّ تجدید نظر موفقیت‌آمیز در توزیع ثروت عبارت از لزوم حفظ وحدت در میان اقشار مختلف جامعه بود. حضرت عبدالبهاء توضیح دادند که "مواسات اعظم از مساوات است. مساوات امری است مجبوری ولیکن مواسات امری است اختیاری." حضرت عبدالبهاء استدلال فرمودند که اگرچه قوانین توزیع مجدّد ضروری است، اما راه حلّ پایدار برای مسألهٔ فقر و غنا این است که ثروتمندان باید رویکرد بنیادی خود را تغییر دهند، از طریق خویش عدول کرده سخاوتمندانه، بدون ادنی اگراهی، بذل و بخشش نمایند. "زیرا از اجبار اختلال حاصل گردد و انتظام امور بشر مختل شود ولی مواسات که آن انفاق اختیاری است سبب راحت عالم انسانی است سبب نوراّیت عالم انسانی است و سبب عزّت عالم انسانی است"

تا زمانی که آن دو در نوامبر 1912 ملاقات کردند، کارنگی قبلاً صدها کتابخانهٔ عمومی دایر کرده، به کارکنان سابق خود مقرری بازنشستگی پرداخت کرده، مؤسسهٔ تاسکیگی بوکرتی واشنگتون را در آلاباما تأسیس کرده، و دانشگاه کرانگی ملون و دانشگاه انگلند را در بیرمینگهام دایر کرده بود. در 11 دسامبر 1910 موقوفهٔ کارنگی برای صلح بین‌الملل را تأسیس نمود: "آقایان محترم - مبلغ ده میلیون دلار به صورت اوراق رهنی پنج درصدی به حساب شما به عنوان امنای صندوق صلح کارنگی منتقل کرده‌ام ... درآمد حاصله باید تحت ادارهٔ شما باشد که برای از میان برداشتن جنگ بین‌المللی، شنیع‌ترین لگّهٔ ننگ بر دامن مدنیت ما، تعجیل نمایید. اگرچه دیگر هم‌نوعان خود را نمی‌خوریم، زندانیان را

شکنجه نمی‌نماییم، شهرها را غارت نمی‌کنیم، سکنه آنها را به قتل نمی‌رسانیم، اما هنوز مانند وحشیان بی تمدن در جنگ یکدیگر را می‌کشیم. فقط جانوران وحشی برای ارتکاب چنین کاری در این قرن بیستم مسیحی عذرشان پذیرفته است، زیرا جنایت جنگ در آنها ذاتی است، زیرا تعیین کننده حق نیست بلکه همیشه تعیین کننده طرف قوی تر است."

در ماه می 1915، در بجنوبه جنگ، آن دو نفر مجدداً مکاتبه کردند که باز هم کارنگی آن را در تایمز درج کرد. آن مرد نوع دوست بسیار مورد تحمید حضرت عبدالبهاء قرار گرفت. "نفوسی چند به قول ساعی در این امر خیرند مگر آن شخص محترم که به قول و عمل جانفشانی و بذل اموال ترویج صلح عمومی می‌نمایند." حضرت عبدالبهاء مرقوم فرمودند، "یقین بدان که به تأییدات روح القدس موفق و مؤید بر این خدمت می‌گردی و در این عالم فانی تأسیس یک بنیان باقی می‌نماید تا در ملکوت الهی بر سریر عزت ابدی استفرار یابی." 4

ثروتمندترین مرد جهان در حال حاضر، کارلوس سلیم غول مخابرات راه دور مکزیک، دارای سرمایه خالص 69 میلیارد دلاری، و بیل گیتس مالک مایکروسافت است، که در فهرست میلیاردرهای جهان در سال 2012 مجله فوربز (Forbes) قرار داشت، و دارای 61 میلیارد دلار ثروت است. در سال 2008، مجله مزبور فهرستی از ثروتمندترین امریکائیان گذشته را انتشار داد؛ مبنای محاسبه آن ارزش خالص دارایی آنها نسبت به درصد تولید ناخالص داخلی متعلق به آنها بود. فوربز ثروت شخصی اندرو کارنگی را به ارزش دلارهای سال 2007 بالغ بر 3/298 میلیارد دلار برآورد کرد، یا، به عبارت دیگر، تقریباً 5 برابر ثروت بیل گیتس. موقعی که کارنگی در سال 1919 درگذشت، بیش از نود درصد ثروت خود را بذل و بخشش کرده بود.

روز 15 آوریل 1912، پنجمین روز ورود حضرت عبدالبهاء به آمریکا، هیکل مبارک مصاحبه‌ای جالب و گیرا با هادسون ماگنیم، دلال اسلحه، داشتند. در طی مکالمات، حضرت عبدالبهاء او را تشویق کردند که دست از منافع تجاری تأمین مواد خام برای تسلیحات جامعه‌ای در حال مسلح شدن بردارد و مجهودات خود را متوجه تأسیس صلح کند. حضرت عبدالبهاء به او فرمودند، "در این صورت حیات تو پربار و مولد نتایج عظیمه خواهد شد. خداوند از تو راضی خواهد بود و از هر نظر انسان کامل خواهی شد." (ترجمه) وقتی حضرت عبدالبهاء چند روز قبل از عزیمت از نیویورک با اندرو کارنگی ملاقات کردند، با مردی دیدار داشتند که دقیقاً همان کار را کرده بود.

اصل انگلیسی این مقاله در <http://bahaiteachings.org/abdul-baha-and-andrew-carnegies-gospel-of-wealth>

(gospel-of-wealth درج شده است.)

1. در تاریخ ایالات متحده، عصر زرین Gilded Age به دورانی تقریباً بین دهه 1970 تا آغاز قرن بیستم اطلاق می‌شود. این اصطلاح توسط دو نویسنده کتاب *The Gilded Age: A Tale of Today*، یعنی مارک تواین و چارلز دادلی وارنر (1873) ابداع شد که آنچه را که آنها دوران مسائل جدی و وخیم اجتماعی در لباس مبدل لایه نازل طلایی می‌دانستند، بیان می‌کرد - م
2. در ادبیات اقتصادی و انتقاد اجتماعی، عبارت بارون‌های دزد robber barons اصطلاحی تحقیر کننده بود که در جراید قرن نوزدهم به بازرگانان ثروتمند و نیرومند امریکایی اطلاق می‌شد و ابتدا در نشر آگست 1870 مجله ماهانه آتلانتیک *The Atlantic Monthly* ذکر شد. تا اواخر سده 1800، این اصطلاح نوعاً به بازرگانانی اطلاق می‌شد که برای جمع‌آوری ثروت به اقدامات استثمارگرانه دست می‌زدند - م
3. لوح مبارک خطاب به اندرو کارنگی در جلد اول منتخباتی از مکاتیب، ص 111-112 درج شده و متن آن چنین است: "شخص محترماً تألیف شما، بشارت غنی، را مطالعه نمودم فی الحقیقه آراء سدیدى در آن به جهت آسایش عالم انسانی ملاحظه شد مختصر این است در تعالیم بهاء الله مواسات است و این اعظم از مساوات است. مساوات امری است مجبوری ولیکن مواسات امری است اختیاری. کمال انسان به عمل خیر اختیاری است نه به عمل خیر اجباری و مواسات خیر اختیاری است و آن این است که اغنیا به فقرا مواسات نمایند یعنی انفاق بر فقرا کنند ولی به میل و اختیار خویش نه این که فقرا اغنیا را اجبار نمایند زیرا از اجبار اختلال حاصل گردد و انتظام امور بشر مختل شود ولی مواسات که آن انفاق اختیاری است سبب راحت عالم انسانی است سبب نورانیت عالم انسانی است و سبب عزت عالم انسانی است چنان که آثار خیریه آن جناب در سیاحت شهرهای امریک مشاهده شد در بعض دارالفنون‌ها و انجمن‌های صلح و در ترویج معارف. لهذا در حق شما دعا نمایم که همواره مشمول به الطاف و برکت آسمانی باشید و سبب اعمال خیریه در شرق و غرب گردید تا در ملکوت الهی مانند شمع روشن گردید و عزت و حیات ابدیه یابید و از افق ابدی مانند ستاره بدرخشید."
4. اصل لوح مبارک در کتاب خاطرات حبیب، طبع آلمان، 1988 میلادی، ج 1، ص 309 درج است. متن کامل آن ذیلاً درج می‌شود:

نیویورک، شخص جلیل حضرت مستر اندرو کارنگی ایدالله ملاحظه نمایند

هوالله ای شخص جلیل و ای رکن عظیم صلح عمومی، مدتی بود که اراده مکاتبه با شما نموده بودم. ولی واسطه در میان نبود. حال چون حضرت توپاکیان واسطه حاصل شد، لهذا به شما این نامه را می‌نگارم. زیرا فی الحقیقه محب عالم انسانی هستی و از مؤسسین صلح عمومی. امروز اعظم خدمت به ملکوت الهی ترویج وحدت انسانی و خدمت به صلح عمومی است.

نفوسی چند به قول ساعی در این امر خیرند، مگر آن شخص محترم که به قول و عمل جان‌فشانی و بذل اموال، ترویج صلح عمومی می‌نمایند. یقین بدان که به تأییدات روح‌القدس موفق و مؤید بر این خدمت می‌گردی و در این عالم فانی تأسیس یک بنیان باقی می‌نمایی تا در ملکوت الهی بر سریر عزت ابدی استقرار یابی. جمیع اعظام و اکابر اروپا در فکر جنگ و هدم بنیان انسانی هستند و تو در فکر صلح و

محبّت و تقویت بنیان انسانی هستی. آنان سبب ممانند و تو سبب حیات؛ بنیان آنان سست و بی بنیاد و بنیان تو ثابت و استوار.

در ایامی که در امریکا و اروپا بودم، در جمیع محافل و مجالس و در جمیع کائس فریاد می زدیم که ای مردم، ای حاضرین، عالم انسانی در استقبال خطر عظیم است و خوف شدید؛ اقلیم اروپا مانند جبهه خانه و قورخانه است و در زیر تمام اقلیم مواد التهاییه در نهایت قوت، لهذا موقوف به یک شراره است که بختاً شعله زند و منفجر گردد. پس ای خیرخواهان عالم انسانی، شب و روز بکوشید که شاید این مواد التهاییه انفجار نیابد.

امروز حیات انسانی و عزّت ابدی جهد و کوشش به موجب تعالیم حضرت بهاءالله است. زیرا اول تعالیم حضرت بهاءالله وحدت عالم انسانی است. زیرا ما جمیع اغنام الهی و شبان حقیقی حضرت پروردگار و به جمیع اغنام مهربان؛ پس ما چرا با یکدیگر نامهربان باشیم. و از اعظم تعالیم حضرت بهاءالله صلح عمومی است که سبب راحت و آسایش عالم انسانی است و از جمیع تعالیم بهاءالله وحدت اساس ادیان الهی و وحدت امم و وحدت لسان و وحدت وطن در عالم انسانی است. لهذا در استقبال، تعالیم حضرت بهاءالله مانع و دافع از خطر عظیم، یعنی حرب عمومی، است. الیوم اساس اعظم ملکوت الله ترویج صلح عمومی است و وحدت عالم انسانی. هر نفسی بر این خدمت قیام نماید، تأییدات روح القدس می رسد. حال، جمیع آنچه ذکر شده بود واقع شد و این آتش حرب شعله بر شرق و غرب زد و زلزله بر ارکان انداخت. ولی بعد از این حرب هواخواهان صلح عمومی روز به روز ازدیاد یابند و حزب صلح فوراً نماید و بر جمیع احزاب غلبه نماید؛ این قضیه حتمی است.

لذا، از برای آن جناب میدان وسیعی حاصل خواهد شد و باید این مقصد جلیل را به قوه ملکوتی و تأیید روح القدس ترویج نمود. من در حقّ تو دعا می نمایم که در جهان صلح و محبت و حیات ابدیه خیمه زنی و علم افزایی و خواهش دارم این احترامات فائقه مرا قبول نمایید. عبدالبهاء عباس